



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

نجوم الفلك

حضرت آية الله العظمى حاج سيد

محمد حسيني شيرازي (قدس سره الشريف)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نجوم الفلك

نویسنده:

محمد حسینی شیرازی

ناشر چاپی:

اعلمی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	نجوم الفلك
۷	مشخصات كتاب
۷	سخن ناشر
۸	۱ نجم اول
۹	۲ نجم دوم
۹	۳ نجم سوم
۱۰	۴ نجم چهارم
۱۱	۴ نجم چهارم
۱۱	فلك قمر
۱۱	فلك عطارد
۱۱	فلك زهره
۱۱	فلك شمس
۱۲	فلك مریخ و مشتری و زحل
۱۲	۵ نجم پنجم
۱۲	۶ نجم ششم
۱۳	۷ نجم هفتم
۱۴	۸ نجم هشتم
۱۴	۹ نجم نهم
۱۵	۱۰ نجم دهم
۱۵	۱۱ نجم یازدهم
۱۶	۱۲ نجم دوازدهم
۱۸	پی نوشتها

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۸

نجوم الفلك

مشخصات کتاب

نویسنده: حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی

(قدس سره الشریف)

چاپ اول

نجف اشرف / مطبعة النعمان / ۱۳۷۶ هـ / ۱۹۵۶ م

چاپ دوم

تهران / ایران / انتشارات اعلمی

چاپ سوم

۲۰۰۰ / ۰۴۲۱ م

مؤسسه المجتبی للتحقیق والنشر

بیروت لبنان ص.ب: ۶۰۸۰ / ۱۳ شوران

البرید الإلكتروني: almojtaba@shiacenter.com

بسم الله الرحمن الرحيم

قل هو الله أحد

الله الصمد

لم يلد ولم يولد

ولم يكن له كفواً أحد

سخن ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم

(نجوم الفلك) جزوه ای که در دست دارید، از تألیفات اولیه بزرگ مرجع جهان تشیع، حضرت آیه الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی می باشد، که در کربلای معلا و قریب به ۵۰ سال پیش تألیف و قبلاً دو بار در ضمن کتاب (المقدمات) به چاپ رسیده است. کتاب (المقدمات) مشتمل بر ۱۰ جزوه مختلف در ۱۰ علم گوناگون میباشد که مؤلف آن را جهت مبتدئین از طلاب علوم دینی نگاشته است.

لازم به تذکر است که این جزوه از اندک تألیفات معظم له به زبان فارسی بوده (و چون به سبک فارسی قدیم نگاشته شده بود بر آن شدید تا آن را تغییر ندهیم.

و برای استفاده بیشتر این جزوه را به صورت مستقل چاپ نموده و در اختیار همگان قرار دادیم.

در پایان از خداوند بزرگ خواستار قبول اعمال و توفیق روز افزون هستیم.

مؤسسه المجتبی للتحقیق والنشر

بیروت لبنان ص.ب: ۶۰۸۰ / ۱۳ شوران

البرید الإلكتروني: almojtaba@shiacenter.com

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وعترته الغر الميامين، ولعنة الله على أعدائهم إلى يوم الدين.

وبعد: این مختصری است در علم هیئت بر اسلوب پیشینیان.

کربلاء المقدسه

محمد بن المهدي الحسيني الشيرازي

۱ نجوم اول

در عناصر وافلاک است

بدانکه قدماء را اعتقاد بر آن است که عالم یک کره است که مرکز آن مرکز زمین است.

واین کره ترتیب داده شده است از سیزده کره که یکی از آنها ناقص است.

وهر یک از این کرات در جوف دیگری است به قسمی که محدب (خمی) هر یک مماس است با مقعر (توی) دیگری و ترتیب آنها

از پائین به بالا بر این نحو است:

۱: زمین.

۲: آب (و آن ناقص است).

۳: هواء.

۴: آتش (و این چهار را عناصر نامند).

۵: فلک قمر.

۶: فلک عطارد.

۷: فلک زهره.

۸: فلک شمس.

۹: فلک مریخ.

۱۰: فلک مشتری.

۱۱: فلک زحل.

و در هر یک از این آسمانهای هفت گانه از پنجم تا یازدهم یک ستاره است که نامش برده شد.

و بعضی ادباء نامهای ستارگان هفت را به ترتیب مذکور به نظم در آورده اند:

در فلک هفت کوکب سیار

آفریده خدای عزوجل

قمر است و عطارد و زهره

شمس و مریخ و مشتری و زحل

و همچنین نام ستارگان را به فارسی نظم نموده:

کواکب مه و تیر و ناهید میدان

چو خورشید و بهرام و برجیس و کیوان

۱۲: فلک البروج، و در این تمامی ستارگان ثابت مرکوزند.

۱۳: فلك أطلس، وآن را فلك الأفلاك نیز نامند.

یوجد هنا صورة علی شکل دوائر

راجع الصفحة ۲۰۸ من كتاب (المقدمات) للإمام الشيرازی

۲ نجم دوم

در بروج ودرجات است

آسمان هشتم که آن را فلك البروج نامند منقسم می‌شود به دوازده قسم، مانند خطهایی که بر پوست خربزه است که سر آنها به دو قطب شمالی و جنوبی میرسد و هر یک از این اقسام را (برج) گویند.

وابتداء آنها از طرف مغرب است و هر یک را نام مخصوصی است بدین ترتیب (از طرف مغرب).

۱: حمل.

۲: ثور.

۳: جوزاء.

۴: سرطان.

۵: اسد.

۶: سنبله.

۷: میزان.

۸: عقرب.

۹: قوس.

۱۰: جدی.

۱۱: دلو.

۱۲: حوت.

و سبب اسم گذاردن بروج را به این اسمها آن است که در هر یک از بروج ستاره گانی است که اگر آنها را متصل نمایند به یکدیگر به خطوط وهمیه مانند مسمیات نامها می‌شود.

و بدان که هر یک از بروج دوازده گانه را تقسیم به سی قسم نموده اند، و هر قسمی را (درجه) نامند، پس دور فلك سیصد و شصت قسمت می‌شود.

و هر گاه کوکبی محاذی یکی از بروج یا درجات واقع شود گویند آن ستاره در فلان برج یا فلان درجه است.

۳ نجم سوم

در دوائر وقوسهای مشهوره است

بدان که دائره بر دو قسم است:

۱: صغیره، و آن دائره ای است که نصف نکند کره را.

۲: عظیمه، و آن دائره ای است که نصف کند کره را.

وقوس عبارت است از تکه از دائره چه عظیمه باشد چه صغیره.

ودوائر عظام ده است:

اول: معدل النهار، وآن به منزله كمر بند فلک الأفلاك است، و دو قطب او دو قطب عالم است:

آنکه طرف جدی است (قطب شمالی).

وآنکه در مقابل او است (قطب جنوبی) گویند.

دوم: منطقه البروج، وآن به منزله كمر بند فلک بروج است، و این دایره با دایره معدل النهار به منزله دو حلقه اند که کج درهم نموده

اند، پس تقاطع در دو نقطه با هم نمایند.

۱: سر حمل وآن را اعتدال ربیعی گویند.

۲: سر میزان وآن را اعتدال خریفی گویند.

وهمچنین این دو دایره بسیار دور گردند از هم در دو نقطه:

۱: سر سرطان، وآن را انقلاب صیفی گویند.

۲: سر جدی، وآن را انقلاب شتوی گویند.

و دو قطب این دایره طرف شمال و جنوب است و دوری هر یک از این دو از قطبهای معدل به قدر دوری دو دایره است.

سوم: ماره به اقطاب اربعه است و آن دایره ای است که میگذرد به چهار قطب دایره معدل و دایره منطقه البروج، و قوسی که واقع شود

از این دایره بین دو دایره معدل و منطقه، آن را (میل کلی) گویند.

و در میل کلی اختلاف است، محقق طوسی؟ به رصد مراغه آن را بیست و سه درجه و نصف تشخیص داده.

چهارم: دایره میل است و این دایره میگذرد به دو قطب معدل، و قوسی که از این دایره واقع شود بین کوبی و معدل آن را بعد

(دوری کوب) گویند، و قوسی که از این واقع شود بین منطقه البروج و معدل، آن را (میل اول منطقه) گویند.

پنجم: دایره عرض است، و این دایره میگذرد به دو قطب منطقه البروج، و قوسی از این دایره که واقع شود بین کوبی و منطقه البروج

آن را (عرض کوب) گویند، و قوسی از این که واقع شود بین معدل و منطقه آن را (میل دوم) گویند.

و بدان که این پنج دایره مختلف نمی شود به اختلاف اماکن.

ششم: دایره افق است، و این دایره واسطه است بین نصف بالا و نصف پائین، و این دایره نصف میکند معدل النهار را بر دو نقطه یکی

طرف مشرق و آن را (مشرق اعتدال) گویند، و دیگری طرف مغرب و آن را (مغرب اعتدال) گویند.

و همچنین نصف میکند منطقه البروج را بر دو نقطه، یکی از آن دو را (طالع) و دیگری را (غارب) گویند.

هفتم: دایره نصف النهار است و این دایره واسطه است بین نصف شرقی و نصف غربی و میگذرد به قطبهای معدل و افق، و غایت ارتفاع

کواکب وقتی است که به این دایره رسند.

هشتم: دایره اول السماوات است، و این دایره واسطه است بین نصف شمالی و نصف جنوبی و میگذرد به قطبهای افق و نصف النهار.

نهم: دایره وسط سماء ریه است، و میگذرد به قطبهای منطقه البروج و افق، و دو قطب او نقطه طالع و غارب است.

دهم: دایره ارتفاع است و میگذرد به هر نقطه ای که ارتفاع یا انحطاط آن را خواهند تعیین نمود، و همچنین میگذرد به دو قطب افق،

و قوسی که از این واقع شود بین دایره افق و نقطه طرف بالا- آن را ارتفاع آن نقطه گویند، و اگر واقع شود بین دایره افق و نقطه طرف

پائین آن را انحطاط آن نقطه گویند.

و بدان که این پنج دایره مختلف می شوند باختلاف اماکن.

۴ نجم چهارم

در کیفیت افلاک است

فلک قمر

قمر: کره است متوازی السطحین و آن را جو زهر گویند، و در جو زهر فلک دیگر است که آن را مائل نامند، و در کلفتی آن فلک دیگر است به این نحو که محدب آن با محدب مائل، و مقعر آن با مقعر مائل تماس مینمایند بر دو نقطه.

۱: اوج.

۲: حضيض.

و این فلک را حامل نامند.

و در کلفتی حامل فلک دیگر است که آن را تدویر نامند، و قمر در کلفتی تدویر است (شکل ۲).

یوجد هنا صورة علی شکل دوائر

انظر الصفحة ۲۱۲ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی

فلک عطارد

عطارد: کره است متوازی السطحین، و آن را ممثل نامند، و در کلفتی ممثل فلک دیگر است که محدب با محدب و مقعر با مقعر تماس مینماید چنان که گذشت و آن را مدیر نامند، و در کلفتی مدیر فلک دیگر است که محدب با محدب و مقعر با مقعر تماس مینماید و آن را حامل نامند، و در کلفتی حامل فلک دیگر است که آن را تدویر نامند، و عطارد در کلفتی او است و معلوم باشد که دو اوج و دو حضيض در این فلک جمع می‌شود (شکل ۳).

یوجد هنا صورة علی شکل دوائر

انظر الصفحة ۲۱۳ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی

فلک زهره

زهره: کره است متوازی السطحین و آن را ممثل نامند، و در کلفتی آن فلک دیگر است که محدب با محدب و مقعر با مقعر تماس کند بر نقطه اوج و حضيض، و آن را حامل نامند، و در کلفتی حامل فلک دیگر است که آن را تدویر گویند، و زهره در کلفتی تدویر است (شکل ۴).

یوجد هنا صورة علی شکل دوائر

انظر الصفحة ۲۱۳ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی

فلک شمس

شمس: کره است متوازی السطحین، و آن را ممثل نامند، و در کلفتی آن فلک دیگر است که محدب با محدب و مقعر با مقعر تماس کند بر نقطه اوج و حضيض، و آن را خارج مرکز گویند، و آفتاب در کلفتی خارج مرکز است (شکل ۵).

یوجد هنا صورة علی شکل دوائر

انظر الصفحة ۲۱۴ من كتاب المقدمات للإمام الشيرازی

فلك مریخ ومشتري وزحل

مریخ ومشتري وزحل: مانند فلك زهره است در تمام خصوصیات چنان که گذشت در (شکل ۴).
وبدان که چون فلكی در کلفتی فلك دیگر جای گیرد از فلك اول دو قطعه باقی مانند هلال، آن تکه که در بر گرفته است فلك اول را (متمم حاوی) نامند و آن تکه که در بر گرفته است فلك دوم را (متمم محوی) گویند، چنان که در اشکال معلوم است.
تتمه: تمام أفلاك از طرف مغرب به طرف مشرق حرکت میکنند، مگر چهار فلك که از طرف مشرق حرکت میکنند، ومحقق طوسی؟ در این بیت آنها را جمع فرموده.

جانب غرب روانند چهار ای سائل

اطلس وجو زهر وباز مدیر ومائل

۵ نجم پنجم

در امور راجع به زمین است

دائرة افق ومعدل چون بر زمین وارد شوند زمین منقسم می شود به چهار قسم: دو شمالی فوقانی وتحتانی، ودو جنوبی همچنین، وفقط ربع فوقانی شمالی معمور است (بنابر گفته قدماء).

واین ربع باز منقسم می شود به هفت قسم مستطیل، ازمشرق به مغرب که هر یک را اقلیم نامند، وتمیز اول هر یک از اول دیگری به آن است که بلندتر روز دومین نصف ساعت بیشتر است از بلندتر روز اولین، وابتداء اقلیم جایی است که نهار اطول دوازده ساعت وچهل وپنج دقیقه است (شکل ۶):

یوجد هنا صورة علی شکل دوائر

انظر الصفحة ۲۱۵ من كتاب المقدمات للإمام الشيرازی

فائده: خط استواء در زمین زیر خط معدل النهار است در آسمان وطول هر بلدی دانسته می شود بحساب نمودن قوسی که از معدل واقع می شود بین نصف النهار جزائر خالدهات که طرف مغرب است ونصف نهار آن بلد، وعرض هر بلدی دانسته می شود به حساب نمودن قوسی که از نصف النهار واقع می شود بین قطب افق وخط استواء (یا معدل)، واگر طرف شمال باشد (عرض شمالی) واگر طرف جنوب باشد (عرض جنوبی) گویند.

۶ نجم ششم

در اقسام افق است

بدان که افق بر هفت قسم است، وهر یک را خواصی است.

اول: افق خط استواء، یعنی کسانی که در خط استواء ساکنند فرضاً، این اشخاص آفتاب بر سر آنها می رسد وقت ظهر در اعتدال ربیعی واعتدال خریفی (روز اول بهار، وروز اول پائین) پس هیچ چیز سایه ندارد ودور می شود به غایت آفتاب از ایشان در انقلاب صیفی وانقلاب شتوی (روز اول گرما وروز اول سرما) وفصول ایشان هشت است وهمیشه شب وروز ایشان مساوی است تقریباً، واین افق را (دولابی) نامند.

دوم: افق بعد از خط استواء وقبل از میل کلی.

و این اشخاص آفتاب بر سر آنها می‌رسد وقت ظهر هنگامی که دوری آفتاب از معدل به قدر دوری ایشان باشد و آفتاب طرف شمال باشد، و این دو روز می‌شود: یکی در وقت دور شدن آفتاب از معدل، و دیگری وقت نزدیک شدن آفتاب به معدل، و در این دو روز هیچ چیز سایه ندارد.

و اینها در فصول و تساوی شب و روز مانند قسم اولند تقریباً.

سوم: افق که زیر میل کلی (منطقه البروج) باشد.

و این اشخاص آفتاب بر سر آنها می‌رسد وقت ظهر هنگامی که در انقلاب صیفی (روز اول گرما) باشد، پس هیچ چیز سایه ندارد، و منتهی دوری آفتاب از ایشان وقتی است که در انقلاب شتوی (روز اول سرما) باشد.

چهارم: افق که بعد از میل کلی و قبل از تمام الميل باشد (شصت و شش درجه و نصف تقریباً از معدل).

و این اشخاص آفتاب بر سر آنها هیچ وقت نمی‌رسد، و از برای آفتاب دو ارتفاع است بالنسبه به سوی افق (اعلی)، و آن وقتی است که در انقلاب صیفی باشد و (اسفل) و آن وقتی است که در انقلاب شتوی باشد.

پنجم: افق که زیر تمام الميل باشد (بیست و سه درجه و نیم تقریباً به قطب معدل مانده).

و این اشخاص آفتاب بر سر ایشان نمی‌رسد، و از برای آن دو ارتفاع است (مانند قسم چهارم) و روز ایشان بلند می‌شود تا آنکه به بیست و چهار ساعت می‌رسد و همچنین شب.

و به این قسم تمام می‌شود عمارت.

ششم: افق که بیشتر از تمام الميل و قبل از زیر قطب معدل باشد.

و این قسم مانند قسم پنجم است غیر از آنکه بعضی خصوصیات منطقه البروج در این افق تفاوت دارد.

فائده: آفاق این اقسام پنج گانه را آفاق (حمائلی) نامند و فصول این اقسام چهار گانه (چهار) می‌باشد و شب و روز این اقسام چهار گانه مساوی نیست.

فائده: سایه قسم اول و دوم گاه شمالی و گاه جنوبی است، ولی سایه بقیه اقسام همیشه شمالی است.

هفتم: افق که در زیر قطب معدل النهار باشد.

و این اشخاص آفتاب بر سر ایشان نمی‌رسد و غایب ارتفاع آفتاب از افق به قدر میل کلی است، و طلوع و غروب از برای آفتاب نیست مگر به حرکت خود، و از این جهت سال یک شب بلندتر و یک روز کوتاه تر است.

و آفتاب بر دور افق دور می‌زند، و به این سبب سایه فر می‌خورد، و این افق را (رحوی) نامند.

۷ نجم هفتم

در احوال ماه است

ماه جرمی است گرد، و آن تیره و صیقلی (مانند آینه) است، و کوچکتر از خورشید می‌باشد و از این جهت همیشه بیشتر از نصف آن نورانی است.

و اختلاف می‌شود در دیدن اهل زمین ماه را به سبب دوری و نزدیکی آن به خورشید.

و به جهت سهولت فهم فرض می‌کنیم ماه و خورشید را در دو نصف دایره که در مرکز آن دایره زمین باشد، پس هنگامی که این دو نصف دایره زیر یکدیگر باشند و لو تقریباً، تمام صورت نورانی ماه به طرف خورشید است و صورت تاریک او به طرف زمین است و این حال را (محاق) نامند که در آخر ماه می‌شود.

و چون این دو نصف دایره قدری از هم دور شوند گوشه ای از طرف نورانی ظاهر شود، و این حال را (هلال) گویند و این در اوائل

ماه است.

و چون این دو نصف دایره بر یکدیگر قائم شوند یعنی ربع آسمان بین این دو فاصله شود نصف از نورانی را مشاهده کنیم و در این حال باز (هلال) گویند، اگر چه بعضی گفته اند که بعد شب سوم ماه را (قمر) نامند.

و چون این دو نصف دایره مقابل یکدیگر شوند و تشکیل یک دایره تامه دهند یعنی نصف آسمان بین این دو فاصله شود، تمام نصف نورانی به طرف زمین شود و حالت محاق عکس گردد و در این حال ماه را (بدر) گویند، و پس از آن این دو نصف دایره از طرف دیگر به هم نزدیک شوند مانند اول، باز نور کم شود و ثانیاً قمر و هلال و محاق پیدا شود. (شکل ۷):

یوجد هنا صورة علی شکل دوائر

انظر الصفحة ۲۱۹ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی

۸ نجم هشتم

در کسوف و خسوف است

چون آن دایره ای که خورشید در آن سیر می کند با آن دایره ای که ماه در آن سیر می کند مانند دو حلقه اند که کج در یکدیگر نموده باشد، لذا در دو موضع با یکدیگر تقاطع می کنند، که یکی از آن دو را (رأس) و دیگری را (ذنب) میگویند.

پس هر گاه ماه و خورشید با یکدیگر جمع شوند در یکی از این دو نقطه، ماه حائل می شود بین خورشید و زمین، پس اگر تمام ماه جلو تمام خورشید واقع شود، خورشید را میپوشاند از انظار، و این حال را (کسوف کلی) نامند.

و اگر بعض ماه جلو بعض خورشید واقع شود، بعض خورشید را میپوشاند از انظار، و این حال را (کسوف جزئی) نامند.

و هر گاه ماه در یکی از آن دو نقطه، و خورشید در نقطه دیگر باشد، پس اگر تمام ماه مقابل تمام خورشید واقع شود، زمین فاصل می شود بین ماه و خورشید و نمی گذارد ماه کسب نور از خورشید نماید، و این حال را (خسوف کلی) نامند.

و اگر بعض ماه مقابل بعض خورشید واقع شود، زمین فاصل می شود بین آن دو بعض و نمی گذارد بعض ماه کسب نور نمایند و این حال را (خسوف جزئی) نامند (شکل ۸).

یوجد هنا صورة علی شکل دوائر

انظر الصفحة ۲۲۱ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی

و بدان که اگر این حالات فوق الأفق باشد، خسوف و کسوف مرئی گویند، و اگر تحت الأفق باشد غیر مرئی نامند.

۹ نجم نهم

در صبح و شفق است

اما صبح: پس آن روشنائی است که در مشرق پیش از طلوع آفتاب پیدا گردد و سبب آن، آن است که ظل مخروط زمین که هنگام شب بر روی زمین و هنگام روز زیر زمین است چون خورشید نزدیک مشرق رسد هیجده درجه مانده تقریباً به طلوع شعاع فصل مشترک دیده می شود (آن محلش که نزدیک به جای بیننده باشد) و بین موضع روشن و افق تاریک است، و این را (صبح کاذب) گویند.

و چون نزدیکتر می شود آفتاب، آن روشنی پهن می شود قریب به افق زیر روشنی اول، و این را (صبح صادق) گویند، و بعد از آن به سرخی می افزاید تا آنکه طلوع کند.

و اما شفق: پس آن روشنائی است که در مغرب بعد از غروب آفتاب باقی ماند، و این عکس صبح است اول سرخ می باشد، پس از آن

سفید و پهن، و بعد باریک و بلند، و بعد از این تمام می‌شود (شکل ۹).

یوجد هنا صورة علی شکل دوائر

انظر الصفحة ۲۲۲ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی

۱۰ نجم دهم

در استخراج خط نصف النهار است

تقریباً به دایره هندیه

اگر زمین را صاف نمایند یا بر لوح صافی دایره کشند، و بر مرکز آن دایره (شاخصی) از چوب یا معدن که بلندی آن قدر ربع قطر آن دایره است نصب نمایند، پس چون آفتاب در آید از برای آن شاخص سایه بلندی به طرف مغرب باشد و همی سایه کوتاه می‌شود تا آنکه داخل دایره می‌شود، آنگاه موضع دخول را علامت گذارند.

و بعد از ظهر به چندی سایه از دایره خارج می‌شود، آنگاه موضع خروج را علامت گذارند.

پس قوس بین دو علامت را نصف نمایند، پس از نصف تا نقطه مرکز که محل شاخص است خطی کشند (از خط نصف النهار است) و چون سایه از او گذرد به طرف مشرق وقت ظهر باشد (شکل ۱۰).

یوجد هنا صورة علی شکل دوائر

انظر الصفحة ۲۲۳ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی

۱۱ نجم یازدهم

در معرفت سمت قبله است

بدان که بلاد نسبت به مکه معظمه (زادها الله شرفاً) از هشت حال بیرون نیست.

چون طول شهر نسبت به طول مکه یا زیادتر است، یا کمتر است، یا مساوی است.

و در هر یک از این سه حال عرض شهر نسبت به عرض مکه یا کمتر است یا زیادتر است یا مساوی، مجموع نه قسم می‌شود، طول

و عرض مساوی ساقط گردد بقیه هشت قسم میماند، و تفصیل آن از این قرار است:

۱: اگر عرض شهر بیشتر باشد و طول مساوی، قبله نقطه جنوب باشد.

۲: اگر عرض شهر کمتر باشد و طول مساوی، قبله نقطه شمال باشد.

و در شش قسم دیگر ترتیب آن است که تفاوت بین طول مکه و طول شهر را ملاحظه مینمائیم از جدول طول بلاد، پس به جهت هر

درجه از تفاوت چهار دقیقه ساعت میگیریم و آنچه مجموع دقائق گردد نگاه داریم، آنگاه روزی که آفتاب در آن روز در درجه

هشتم جوزاء یا درجه بیست و سیم سرطان باشد، از روی تقویم یا غیره، چون در آن روز به ظهر مقدار دقائق مذکوره مانده باشد

سایه مقیاس سمت قبله خواهد بود، اگر طول بلد کمتر از طول مکه باشد.

و همچنین چون در آن روز از ظهر مقدار دقائق مذکوره گذرد سایه مقیاس سمت قبله خواهد بود اگر طول بلد بیشتر از طول مکه

باشد. (شکل ۱۱).

یوجد هنا صورة علی شکل دوائر

انظر الصفحة ۲۲۵ من کتاب المقدمات للإمام الشیرازی

۱۲ نجم دوازدهم

در شمه ای از تاریخ است

بدان که سال شمسی عبارت است از گردش آفتاب به حرکت اختیاریه بر دور کره زمین.)

وماه شمسی عبارت است از حرکت خورشید به اختیار در یک برج.

وسال قمری عبارت است از دوازده ماه قمری، و سبب تسمیه قرب او است از حیث مدت به سال شمسی.

وماه قمری عبارت است از رؤیت هلال تا رؤیت هلال، و از بیست و نه روز کمتر نشود و از سی روز زیادتر نشود، و تا چهار ماه سی می‌توان بود و تا سه ماه بیست و نه می‌توان بود.

و چون در سالی حادثه عظیمه واقع شود آن را مبدء سازند تا حادثه های دیگر را قیاس به آن کنند، و آن را (تاریخ) خوانند، و تاریخ های مشهور چهار است:

اول: تاریخ هجری، و آن روزی است که حضرت پیغمبر؟ از مکه منوره به مدینه مشرفه هجرت فرموده، و اول سال روز اول محرم است و ماههای آن دوازده است از این قرار:

۱: محرم.

۲: صفر.

۳: ربیع الأول.

۴: ربیع الثانی.

۵: جمادی الأولى.

۶: جمادی الآخرة.

۷: رجب.

۸: شعبان.

۹: رمضان.

۱۰: شوال.

۱۱: ذی القعدة.

۱۲: ذی الحجة.

امید است که به همین زودی تاریخ تجدید شود به برکت قدوم حضرت ولی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه و سهّل مخرجه وجعلنا من أنصاره وأعوانه).

دوم: تاریخ فرس و آن روزی است که بزدرجده شهریار جلوس نموده و هر سیصد و شصت و پنج روز را یک سال گیرند، و نام های ماه های آن از این قرار است:

۱: فروردین.

۲: اردیبهشت.

۳: خرداد.

۴: تیر.

۵: مرداد.

۶: شهریور.

۷: مهر.

۸: آبان.

۹: آذر.

۱۰: دی.

۱۱: بهمن.

۱۲: اسفند.

وهر ماه آن سی روز است غیر از یک ماه که آن سوی و پنج روز است.)

سوم: تاریخ رومی، ومبدء آن بعد از وقات (اسکندر بن فیلقوس) رومی است به دوازده سال.

وماههای ایشان دوازده است، هفت ماه هر ماهی سی و یک روز، و چهار ماه هر ماهی سی روز، و یک ماه بیست و هشت روز، وهر چهار سال یک مرتبه این ماه را بیست و نه روز گیرند.

وماه های ایشان از این قرار است:

۱: تشرین اول.

۲: تشرین دوم.

۳: کانون اول.

۴: کانون دوم.

۵: شباط.

۶: آذار.

۷: نیسان.

۸: آیار.

۹: حزیران.

۱۰: تموز.

۱۱: آب.

۱۲: أيلول.

چهارم: تاریخ ملکی، و(جلالی) نیز گویند، مبدء آن روز جمعه دهم رمضان سنه چهار صد و هفتاد و یک، بعد از هجرت است، وهر سیصد و شصت و پنج روز و کسری را سال گیرند.

و أول سال ایشان روز أول حملست، وهرماه ایشان مدت مکث آفتاب است در برج، و اسامی ماههای ایشان اسامی ماههای فرس، ودر بعض خصوصیات اختلاف دارد.

???

سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الطاهرين، واللعنة على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

كربلاء المقدسة

محمد بن المهدي الحسيني الشيرازي

رجوع إلى القائمة

پی‌نوشتها

- (۱) تألیفات آیه الله العظمی شیرازی متجاوز از یکهزار کتاب و جزوه میباشد، که از این مقدار تنها بیش از ۱۰ عنوان فارسی و مابقی به زبان عربی است، ضمناً قریب به صد عنوان عربی از تألیفات ایشان به فارسی ترجمه شده است. به کتاب (الفهرست) مراجعه شود.
- (۲) مخفی نماند این نظریه پیشینیان است، اما امروزه ثابت شده که زمین بر گرد خورشید می‌چرخد.
- (۳) امروزه به جای اینکه یک ماه ۳۵ روز باشد شش ماه ۳۱ روز بوده و یک ماه ۲۹ روز میباشد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

آزاد کردن بنده دارد.»



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

